

نگاه دوباره به مفهوم و اصول برنامه‌ریزی از منظر قرآن و مدیریت

سلمان علی برهانی^۱

دریافت: ۱۴۰۳-۱۰-۱۵

پذیرش: ۱۴۰۳-۱۱-۲۵

چکیده

تقدیر امور از وظایف عمده مدیران به شمار می‌رود. این مسئله بدون رعایت اصول برنامه‌ریزی، در سطوح مختلف و عرصه‌های متعدد مدیریت از جمله برنامه‌ریزی، مؤثر و کارآمد نخواهد بود. آموزه‌های وحیانی و اندیشه بشری بیان‌گر اهمیت و نقش سازنده این موضوع هست. به همین جهت، برنامه‌ریزی معقول، علمی، آگاهانه و سنجیده از منظر وحی و نیز استفاده مطلوب از برنامه‌های استراتژیک، کارکرد تعیین‌کننده در بهبود فرآیند زندگی انسان‌ها، خصوصاً اثرگذاری مدیریت‌های جوامع انسانی و اسلامی دارد.

بنابراین، شناخت و تبیین، مفهوم، اصول و قواعد برنامه‌ریزی با نگاه وحیانی از جمله اهداف و ضرورت‌های روز جوامع بشری در ابعاد مختلف برشمرده می‌شود؛ زیرا تدبیر امور به‌صورت آگاهانه، اصول‌مندانه و مدبرانه از موضوعاتی است که همواره در جریان زندگی فردی، اجتماعی و سازمانی افراد، نقش بنیادی دارد. با توجه به اهمیت، میزان تأثیرگذاری و نقش اصول معقولانه در برنامه‌ریزی، تحقیق حاضر با استفاده از روش استنتاجی مسئله را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار داده و کاربرد اصول را در برنامه‌ریزی مهم برشمرده و درنهایت به نتایج حاصله که عبارت‌اند از برنامه‌ریزی راهکار‌مندانه در گرو اصول عقل‌پسندانه، دست‌یافته است.

واژگان کلیدی: تدبیر امور، قدر و تقدیر، اصول برنامه‌ریزی، آموزه‌های وحیانی، مدیریت و سازمان.

^۱ دانش‌پژوه دکترای قرآن و علوم - گرایش مدیریت/ جامعه‌المصطفی‌العالمیه مجتمع آموزشی عالی قرآن

و حدیث.

برنامه‌ریزی از جمله وظایف کلیدی در فرآیند زندگانی فردی و جمعی انسان برشمرده می‌شود. بدون تدبیر امور، شخص نمی‌تواند به اهداف مطلوب دست یابد؛ چون برنامه‌ریزی اصول مدارانه و سنجیده از اولویت‌های مدیریت، محسوب می‌شود. می‌توان اذعان نمود که موفقیت یک مدیر در تمام وظایف مدیریتی، در سایه تدبیر معقول و اصول‌مند، ممکن خواهد بود؛ زیرا تخصصی شدن کار و تنوع شغل در جوامع انسانی، اهمیت برنامه‌ریزی اصول‌مدار را، بیش از گذشته روشن می‌نماید.

این ضرورت به حدی است که خداوند برای هدایت و راهنمای بشریت در تمام ابعاد زندگانی دنیوی از جمله امور اخروی، نسبت به برنامه‌ریزی قانون‌مند، اصول محور و خردورز، نگاه ویژه دارد. کمال و سعادت ابدی انسان که همانا اهداف راهبردی آموزه‌های وحیانی است، بدون تدبیر امور، غیرممکن خواهد بود؛ برای این که وقتی ما نسبت به آیات وحی تعمق می‌نماییم، روشن می‌شود که انزال کتب و ارسال رسل، همه بر اساس تقدیر عالمانه، تدبیر حکیمانه و برنامه‌ریزی مدبرانه، انجام‌شده است تا این که افراد ضمن فهم درست از فلسفه خلقت هستی ۱ و شخصی ۲، نسبت به انجام مسئولیت‌های فردی، خانوادگی و سازمانی، نقش مؤثر و کارآمد داشته باشند.

تحقیق حاضر با توجه به اهمیت برنامه‌ریزی اصول‌مند و تدبیر آگاهانه در عرصه‌های مختلف و ابعاد متنوع به «باز بیان مفهوم و اصول برنامه‌ریزی از منظر قرآن و مدیریت»، پرداخته است؛ چون آیات وحی بهترین مستندات در جهت کمال و رستگاری ابدی انسان، برشمرده می‌شوند. از این رو، دست‌نوشته حاضر پس از مفهوم‌شناسی، اصول برنامه‌ریزی را با روش استنباطی از منظر قرآن و داده بنیاد از نگاه مدیریت به تبیین گرفته و در نتیجه با جمع‌بندی از مباحث ارائه‌شده، تحقیق را پایان برده است.

۱. لقمان/ ۲۰.

۲. ذاریات/ ۵۶.

۱. پیشینه تحقیق

هر تحقیقی از آغازی برخوردار است؛ به عبارتی دقیق‌تر، هر موضوع علمی که در مجموعه‌ای از موضوعات دانش بشری ثبت می‌شود، دارای پیشینه عام، خاص و یا اخص، می‌باشد. درباره پیشینه عام تحقیق، مباحث و منابع فراوانی وجود دارد و امکان بازشماری در این دست‌نوشته نیست. از لحاظ پیشینه خاص بررسی‌ها حاکی از این است که مباحث گسترده‌ای، وجود دارد. به عنوان نمونه نظریه افلاطون در قسمت موضوعات اجتماعی و اندیشه شکل‌گیری مدینه فاضله در صدر اسلام و موارد از این دست، همه مبین اندیشه خردمندانه، اصول‌مدارانه و حکیمانه نسبت به تدبیر امور است که همواره مورد اهتمام سیاست‌ورزان، حاکمان، اندیشمندان، عالمان و خصوصاً معصومان پاک علیهم‌السلام بوده است.

افزون بر روند تاریخی، جریان علمی و فرآیند اجتماعی این مسئله را، می‌توان به منابع همانند: «نیم‌نگاهی به مدیریت و برنامه در قرآن (آراسته، ۱۳۸۸)؛ فرآیند برنامه‌ریزی استراتژیک از منظر قرآن (حیدر زادگان و ...، ۱۳۹۲: ۱۶)؛ آینده‌پژوهی و آینده‌نگری در برنامه‌ریزی از نگاه قرآن کریم (بابایی و لطیفی، ۱۳۹۴)؛ اصول حاکم بر مسیر دستیابی به اهداف در برنامه‌ریزی از منظر قرآن کریم (شفیعی و دیگران، ۱۳۹۶: ۵۷/۱۵ - ۷۴)؛ جایگاه برنامه‌ریزی در مدیریت اسلامی از منظر آیات و روایات (عترت، ۱۳۸۹: ۳۳/۱۰۷ - ۱۲۶)؛ نقش اخبار غیبی در برنامه‌ریزی راهبردی فرهنگی از منظر قرآن با تأکید بر سیره حضرت یوسف (ع) (طوسی و زاهدی، ۱۳۹۹: ۷/۱۳۰ - ۱۵۸)؛ اصول برنامه‌ریزی در مدیریت رحمانی (مرتضوی، ۱۳۹۹: ۴۰/۲۹ - ۴۲)؛ مدیریت زمان از دیدگاه قرآن و روایات (توکلی، ۱۳۹۶: ۴/۱۱۱ - ۱۲۹)؛ جایگاه برنامه‌ریزی از دیدگاه قرآن و عترت (فقیه‌نیا و دیگران، ۱۳۹۷)؛ تفسیر موضوعی قرآن کریم - دانش مدیریت در قرآن - (قوامی، ۱۳۹۳)؛ برنامه‌ریزی (فصلنامه مدیریت در اسلام، شماره‌های ۱۸ - ۲۴) و غیره که از سوی صاحب‌نظران تدوین شده است، اشاره نمود.

با توجه به پیشینه خاص تحقیق، می‌توان گفت که هر یک از منابع ذکرشده، به بخشی از مباحث پرداخته‌اند، ولی مباحث ارائه‌شده در این تحقیق با رویکرد متفاوت

و نگاه ویژه نسبت به مفهوم و اصول برنامه‌ریزی از منظر قرآن و مدیریت، مورد تجزیه، تحلیل و دسته‌بندی واقع گردیده است که به نوع خود یک رویکرد متمایز نسبت به تحقیقات انجام‌شده، تلقی می‌شود.

۲. مفهوم برنامه‌ریزی

۲.۱. برنامه‌ریزی در مدیریت

از لحاظ واژه‌شناسی، برنامه همان: «طرح، جدول، لیست، فهرست، برنامه کار و برنامه تحصیلی (آذرتاش، ۱۳۸۵: ۴۵)» است، ولی در ادبیات مدیریتی، برنامه‌ریزی؛ یعنی: «تعیین هدف و یافتن یا پیش‌بینی کردن راه تحقق آن (حیدری تفرشی، ۱۳۸۶: ۱۹۳)»؛

«تعیین هدف‌ها و پیش‌بینی راه‌ها و امکانات لازم برای دستیابی به آن اهداف (علی آقا پیروز، ۱۳۹۴: ۲۲)»؛

«غرض‌ها یا مأموریت‌ها؛ هدف‌ها؛ راهبردها؛ سیاست‌های کلی؛ روش‌ها؛ دستورها؛ برنامه‌های آموزشی؛ بودجه‌ها (هرولد کونتز و همکاران، ۱۳۸۸: ۷)»؛ چون حکایت از فرآیندی دارد که طی مراحل مشخص و به‌هم‌پیوسته، برای تولید خروجی منسجم در قالب سیستم هماهنگ از تصمیم‌ها، عمل می‌کند. از این‌رو، برنامه‌ریزی؛ یعنی آینده‌نگری، تفکر نسبت به آینده و پیش‌بینی اقدامات آینده و یا راهی برای هدایت انسان به سوی هدف مشخص که: «جریان و مداومت، ارشاد و هدایت، درون‌گری و هدف‌نگری، تفکر و عقلانیت (فایضی، ۱۳۷۵: ۳۳)» و یا: «برنامه‌ها مجموعه‌هایی هستند از هدف‌ها، خط‌مشی‌ها، روش‌های کار، دستورها، تعیین کار ویژه، گام‌هایی که باید برداشته شود، منابعی که باید به کار بسته شود و دیگر عناصر لازم برای اجرای یک کنش شناخته و معلوم (هرولد کونتز و همکاران، ۱۳۸۸: ۷)»، از جمله تعبیراتی است که موارد زیر از عناصر کلیدی آن، تلقی می‌شود.

۲.۱.۱. برنامه‌ریزی استراتژیک

این مفهوم؛ یعنی: «تلاشی منظم و سازمان‌یافته برای تصمیم‌گیری و مبادرت به اقدامات بنیادین که به‌موجب آن‌ها مشخصاتی از قبیل ماهیت یک سازمان و نوع فعالیت‌های آن مشخص می‌شود (پور حسینی، ۱۳۷۸: ۱۷/۱۹۴)». برنامه‌هایی که

برای کل سازمان طراحی می‌شوند، اهداف کلی سازمان را ترسیم می‌کنند و به دنبال تعیین وضعیت سازمان در محیط هستند، برنامه‌ریزی استراتژیک نامیده می‌شود.

۲.۱.۲. برنامه‌ریزی بر اساس سؤالات

برنامه‌ریزی ما را قادر می‌سازد تا به سؤالات: کی هستیم؟ چه کاری می‌توانیم انجام دهیم؟ با چه مشکلی مواجه هستیم؟ چه می‌خواهیم ایجاد کنیم؟ کدام مسائل مهم را پاسخ دهیم؟ کجا باید منابع را اختصاص دهیم؟ و اولویت‌ها چه باشد؟ پاسخ دهیم.

۲.۱.۳. برنامه‌ریزی بر اساس اهداف

برنامه‌ریزی، دارای چهار هدف اصلی است: ۱. پیدا کردن، جذب و حفظ مشتریان؛ ۲. اطمینان از این که شرکت نیازها و خواسته‌هایی از مشتریان خود را برآورده می‌کند؛ ۳. حفظ موقعیت رقابتی؛ ۴. استفاده از نقاط قوت خود و نقاط ضعف رقیب. به صورت کلی اهداف هر نوع برنامه‌ریزی، عبارت است از: «۱. افزایش احتمال رسیدن به هدف از طریق تنظیم فعالیت‌ها؛ ۲. افزایش منفعت اقتصادی از طریق مقرون به صرفه ساختن عملیات؛ ۳. متمرکز شدن بر طرق دستیابی به مقاصد اهداف و احتراز از انحراف از مسیر؛ ۴. مهیا ساختن ابزاری برای کنترل (رضائیان، ۱۳۹۵: ۲۰۲ - ۲۰۳)».

برنامه‌ریزی، حرکت سریع برای رسیدن به خواسته‌ها در کم‌ترین زمان، با رعایت اولویت‌ها و شرایط است. ترسیم وضعیت مطلوب آینده، تقسیم کار و تفکیک وظایف از کارکردهای برنامه‌ریزی، می‌باشد. به همین جهت: «برنامه‌ریزی، نوعی پدیده عینی اجتماعی است و خصوصیت‌های ویژه خود را دارد. درعین حال یک رویداد منحصربه‌فرد نیست که دارای یک ابتدا و انتهای مشخص باشد، بلکه یک فرآیند مستمر و دائمی و منعکس‌کننده تغییرات و درصدد رسیدن به اهداف است. در سازمان‌های پیچیده امروزی، بدون برنامه‌ریزی‌های دقیق، امکان ادامه حیات نیست و برنامه‌ریزی، مستلزم آگاهی از فرصت‌ها و تهدیدهای آتی و پیش‌بینی شیوه مواجهه با آنهاست (نوری، ۱۳۹۲: ۱۹ و ۲۰ / ۲۱)».

۲.۲. برنامه‌ریزی در قرآن

در قرآن برنامه‌ریزی به واژگان بی‌شماری، توصیف‌شده است، ولی واژگان تدبیر، تقدیر، امور، نظم و انضباط از جمله واژگان پرکاربردند که در این تحقیق با استفاده از روش استنطاقی، مورد بازاندیشی واقع گردیده است.

۱. ۲. ۲. واژه تدبیر

تدبیر از ریشه «دَبَر» به معنای: «اندیشیدن و عاقبت بینی در کارها و امور است (فراهیدی، ۱۴۰۹ ق: ۸/۳۳؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق: ۳۰۷)». اندیشه کردن در عاقبت کار؛ پایان کار نگرستن؛ در پس کاری درآمدن و در عقب کاری غور کردن؛ نیکو اندیشیدن؛ چاره‌جویی؛ جستن راه علاج و چاره از جمله معانی لغوی تدبیر است، اما در اصطلاح؛ یعنی: پایان‌نگری، تمهید، چاره، چاره‌اندیشی، کیاست، مشورت، مشی، پشت سرهم قرار دادن و در نتیجه، برنامه و تدبیر به معنای، پشت سرهم دریافت کردن است. تدبیر از نگاه قرآن نزدیک‌ترین و مناسب‌ترین مفهوم نسبت به برنامه‌ریزی برشمرده می‌شود و از آیاتی همانند: (آیه ۸۲ سوره نساء، واژه یَتَدَبَّرُونَ)؛ (آیه ۲۴ و ۲۹ سوره محمد، واژگان یَتَدَبَّرُونَ و یَدَبَّرُوا)؛ (آیه ۱۱۱ سوره آل عمران، واژه الْأَدْبَار)؛ (آیه ۴۵ سوره، واژه دَابِر)؛ (آیه ۲۵ سوره توبه، واژه مُدَبِّرین) و آیه ۲ سوره رعد که خداوند می‌فرماید: «... كُلُّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى يُدَبِّرُ الْأُمْرَ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ بِلِقَاءِ رَبِّكُمْ تُوقِنُونَ»، به‌روشنی قابل‌فهم است؛ زیرا واژه تدبیر و تدبر ۴۴ مورد با ۱۱ هیئت در قرآن کریم، آمده است که از جمله آیات مورد استناد هستند.

معنای قرآنی تدبیر؛ یعنی: «گرفتن چیزی بعد از چیز دیگر و در مورد آیات قرآن به معنای تأمل در یک آیه پس از آیه‌ای دیگر و یا تأمل بعد از تأمل است، ولی چون غرض آیه بیان این است که در قرآن اختلافی نیست و این معنی؛ یعنی عدم اختلاف در زیادت از یک آیه تصور دارد، از این نظر معنای اولی (تأمل در آیه بعد از آیه) عمده است، گرچه این معنا منافات بامعنای دوم ندارد (طباطبائی، ۱۳۶۷: ۵/۲۹ - ۳۰)». تدبیر خدای حکیم در قرآن کریم، سطوحی دارد و در قبال هر سطح، سطحی از تدبیر برای ما فرض شده است؛ زیرا تدبیر، شأن هر حکیمی به هنگام سخن گفتن؛ و تدبر، شأن هر عاقلی به هنگام شنیدن سخن حکیمانه است. خدای حکیم نیز کلمات، آیات

و حتی سوره‌های قرآن کریم را تدبیر فرموده و این‌گونه با ما سخن گفته است و ما انسان‌ها هم برای استفاده از سخن او، باید تدبیر کنیم و کلمات، آیات و حتی سوره‌ها را پشت سرهم و منسجم دریابیم، نه پراکنده و بی‌ربط؛ چون در قرآن کلمه تدبیر فقط در مورد قرآن به کار رفته است و انسان به تدبیر در آیات قرآن فراخوانده شده است: «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا (نساء/ ۸۲)». تدبیر در آیات وحیانی؛ یعنی:

دریافت پی‌درپی کلمات هر آیه که به فهم منسجم آن آیه منتهی می‌شود؛
دریافت پی‌درپی آیات هر سوره که به فهم منسجم آن سوره منتهی می‌شود؛
دریافت پی‌درپی سوره‌های قرآن کریم که به فهم منسجم همه قرآن کریم منتهی می‌شود. به همین دلیل، امام علی (ع) می‌فرماید:
«أَدُلُّ شَيْءٌ عَلَى غَزَاةِ الْعَقْلِ، حُسْنُ التَّدْبِيرِ؛ بهترین دلیل بر کمال عقل، برنامه‌ریزی خوب و مناسب است (آمدی، ۱۳۸۰: ۱/ ۳۵۵)»؛
«الْقَلِيلُ مَعَ التَّدْبِيرِ أَبْقَى مِنَ الْكَبِيرِ مَعَ التَّبْذِيرِ؛ کار اندک با تدبیر، پایدارتر است از کار زیاد (همان)»؛
«أَلْتَدْبِيرُ قَبْلَ الْفِعْلِ يُؤْمِنُ مِنَ النَّدَمِ؛ برنامه‌ریزی قبل از کار، آدمی را از پشیمانی در امان نگه می‌دارد (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۴۰۳/ ۷۱)».

۲.۲.۲. واژه تقدیر

در ارتباط با معنای قدر و تقدیر، نظرگاه‌های متفاوتی وجود دارد. از جمله مناسب‌ترین و جامع‌ترین معنایش این است، شب قدر به این جهت «قدر» نامیده شده که جمیع مقدرات بندگان در تمام سال در آن شب تعیین می‌شود. شاهد این معنی آیه ۳ و ۴ سوره دخان است: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنْذِرِينَ - فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ»؛ ما این کتاب مبین را در شبی پربرکت نازل کردیم و ما همواره انذار کننده بودیم، در آن شب که هر امری بر طبق حکمت خداوند تنظیم و تعیین می‌گردد. این بیان هماهنگ با روایات متعددی است که می‌گوید: «در آن شب، مقدرات یک سال انسان‌ها تعیین و تقدیر، می‌گردد و ارزاق و سرآمد عمرها و امور دیگر، در آن آیه مبارکه تفریق و تبیین می‌شود (شیرازی، ۱۳۶۹: ۲۷/ ۱۸۹)»؛ برای این‌که:

الف) روایات موثق از معصومان پاک علیهم السلام، تعدد لیالی قدر را در طول سال و خصوصاً شب‌های ۱، ۱۷، ۱۹، ۲۱، ۲۳، ۲۷ و ۲۹، ماه مبارک رمضان از لیالی قدر برشمرده‌اند که: تقدیر مقدرات در شب نوزدهم و تحکیم در بیست و یکم و امضاء در بیست و سوم، رقم می‌خورد؛

ب) لحظات سرنوشت‌ساز برای انسان‌ها که نباید غفلت ورزید؛ چون: «قرآن یک کتاب سرنوشت‌ساز است و خط سعادت و خوشبختی و هدایت انسان‌ها در آن مشخص شده است باید در شب قدر، شب تعیین سرنوشت‌ها، نازل گردد (شیرازی، ۱۳۶۹: ۲۷/ ۱۹۲)»، مفهوم برنامه‌ریزی از واژگان قدر و تقدیر به‌وضوح استفاده می‌شود؛

ج) مفهوم قدر: یعنی؛ اندازه‌گیری و طرح‌ریزی هر پدیده از جهات گوناگون. ازاین‌رو، ازجمله آیاتی: «إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ» (قمر/ ۴۹)؛ «وَمَا نُنَزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَّعْلُومٍ» (حجر/ ۲۱)، گواهی بر مدعاست؛ چون تقدیر به معنای: «قضا و فرمان خداوند؛ نصیب، قسمت و سرنوشتی که خداوند برای بندگان خود معین فرموده؛ اندازه چیزی را نگه‌داشتن؛ اندیشیدن؛ تعیین قدر و مقدار؛ مقدر کردن؛ اندازه گرفتن (عمید، ۱۳۸۹: ۱/ ۳۴۲)»، می‌باشد و: «در فرهنگ مدیریتی قرآن کریم از این اصل مدیریتی با عنوان «قدر» و «تقدیر» یادشده که همان معنای «برنامه‌ریزی» را در خود جای‌داده است (قوامی، ۱۳۹۳: ۵۵)». بنائاً: «مهم‌ترین موضوعاتی که در آیات تقدیر به چشم می‌خورد، دو عنوان «انواع برنامه‌ریزی» و «اصول برنامه‌ریزی» در مدیریت خداوند است (قوامی، ۱۳۹۳: ۵۶)».

۳.۲.۲. واژه امور

بر اساس آیه ۴ سوره قدر: «منظور از «من کل امر» این است که فرشتگان برای تقدیر و تعیین سرنوشت‌ها و آوردن هر خیروبرکتی در آن شب نازل می‌شوند و هدف از نزول آن‌ها انجام امور است (دهقان، ۱۳۹۲: ۱۴/ ۲۵۹)». فرشتگان بر اساس برنامه‌های از پیش تعیین‌شده با ثبت اعمال انسان‌ها، انجام‌وظیفه می‌نمایند و به امورات محوله اهتمام می‌ورزند و با برنامه‌ریزی مأموریت خویش را به سرانجام می‌رسانند. مرحوم طبرسی دارد: «منظور از روح «جبرئیل» است و آن فرشته‌ای است بزرگ‌تر از ملائکه (دهقان، ۱۳۹۲: ۱۴/ ۲۵۹)». ایشان در حقیقت به‌عنوان فرمانده اصلی ملائک و فرشتگان الهی، در لیالی قدر انجام مأموریت می‌نماید تا رحمت واسعه

الهی در حد مستوفی شامل انسان‌های طالب و قدرشناسان گردد؛ زیرا: «نزول فرشتگان در شب قدر برای دو جهت است: ۱. آنچه در این سال تقدیر شده به نظر مبارک امام زمان علیه‌السلام برسانند؛ ۲. در مجالس و محافل مؤمنین شرکت کنند و بر آن‌ها تا به هنگام طلوع فجر سلام کنند و برای آنان دعا کنند: سلام‌هی حتی مطلع‌الفجر (دهقان، ۱۳۹۲: ۱۴/۲۶۲)».

خلاصه، شب قدر تعیین مقدرات الهی است که به‌وسیله انجام مأموریت فرشتگان و میزان ایمان و عمل انسان‌ها، بستگی دارد؛ یعنی هر قدر فرشتگان نسبت به مأموریتشان و انسان‌ها نسبت به اعمالشان اهتمام داشته باشند به همان اندازه از رحمت واسعه و فیض بی‌کران الهی در طول زندگانی و یا حداقل در مدت یک سال، بهره‌مند می‌شوند.

۴.۲.۲. واژه نظم

مفهوم نظم، انضباط و یا نظام در لغت؛ یعنی: ۱. نظم دادن، آراستن، دستگاه، روش، شیوه، سازمان، شبکه (عمید، ۱۳۸۶: ۲/۱۹۰۹)؛ ۲. به سامان بردن؛ فقدان آشفتگی؛ ترتیب؛ سخن دارای وزن و قافیه (انوری، ۱۳۸۱: ۸/۷۸۶۴)؛ ۳. به رشته‌ای مروارید و لؤلؤء نظام گویند؛ زیرا آن را بدان درکشند و نظم و قوام مروارید به آن بستگی دارد (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۴/۲۲۵۶۳)؛ ۴. آراستن، ترتیب دادن، به رشته کشیدن مروارید، مرادف ترتیب و نیز به معنای رشته مروارید، کلام موزون و با قافیه (عمید، ۱۳۷۵: ۳/۲۴۰۲) و یا به مفهوم: ترتیب، نظم، شیوه روشمند، ساختار روشنگرانه، سازمان، تشکیلات، نظام، سیستم، قانون، قاعده، آیین، آیین‌نامه، مقررات و نظامنامه (آذرتاش، ۱۳۸۵: ۶۹۹)، آمده است.

از نظر اصطلاح نظم، انضباط و خصوصاً نظام به معنای مجموعه‌ای از ساختار است که به‌صورت هماهنگ در جهت تحقق اهداف موردنظر طراحی شده و عبارت است از: «منظومه‌ای عناصر و اجزایی که باهم ارتباط و کنش و واکنش متقابل داشته (علاقه بند، ۱۳۸۵: ۱۱۶)». واژگان نظم و انضباط از موضوعات نقش‌آفرین در فرآیند زندگانی برشمرده می‌شود. آفرینش بر اساس نظم استوار است و در نظام خلقت، هر پدیده‌ای مأموریت ویژه‌ای بر عهده دارد. مثلاً، کرات آسمانی در مدار معینی حرکت می‌کنند، فصول سال و گذشت شب و روز نظم، انضباط و نظام خاصی دارد و خلقت اشیا از

اندازه خاص برخوردار است: «إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ» (قمر / ۴۹)؛ زیرا تدبیر خداوند در هر چیز تجلی یافته و موجودات عالم روی برنامه و هدف معینی قدم به عرصه هستی نهاده‌اند. در نقش مؤثر نظم همین بس که خداوند حکیم، نخست نظم را در دستگاه پهناور خلقت و در قدم بعد نظم را در روابط اجتماعی افراد، برقرار نمود که به‌عنوان نظم در تکوین و تشریع یاد می‌شود و آیات بی‌شمار از جمله: آل عمران / ۱۹۰؛ بقره / ۱۸۷؛ نور / ۶۲؛ صف / ۴؛ یس / آیات ۳۸ تا ۴۰؛ روم / ۴۶؛ آل عمران / ۱۹۰؛ بقره / ۲۲۹؛ نور / ۶۳؛ بقره / ۱۸۷، بیان‌گر این دو موضوع هستند. درمجموع از آیات استفاده می‌شود که نظام هستی چه در بعد تکوین و تشریع از نظم ویژه‌ای، برخوردار است و خداوند حکیم بر اساس تدبیر، نظام خلقت را سامان داده تا مخلوقات، بدون کدام تعارض و تمایز از نعیم رحمانیت و نسیم رحیمیت الهی، فیض بی‌برند.

۳. انواع برنامه‌ریزی

۳.۱. برنامه‌ریزی از منظر قرآن

از واژگان تدبیر^۱، تدبیر^۲، قدر^۳، تقدیر^۴، نظم^۵ و امر به‌خوبی روشن می‌شود که از منظر قرآن به‌صورت کلی دو نوع برنامه‌ریزی وجود دارد:

۳.۱.۱. برنامه‌ریزی راهبردی

این نوع برنامه‌ریزی ازجمله اهداف اصلی نظام خلقت است، خداوند برای: «سازمان‌های تکوینی و تشریعی خود، برنامه جامعی را طراحی نموده و جهت‌گیری‌های عمده آن را نیز از پیش تعیین کرده است که می‌توان از برنامه‌ریزی

۱. تدبیر: اندیشیدن؛ اندیشه کردن؛ در عاقبت کاری اندیشیدن؛ چاره‌اندیشی (عمید، ۱۳۸۹: ۳۱۲/۱).

۲. تدبیر: اندیشیدن به‌منظور پیدا کردن راه‌حل برای مشکلی یا مسئله‌ای یا انجام دادن درست‌کارها؛ چاره‌اندیشی کردن (انوری، ۱۳۸۲: ۵۸۵/۱).

۳. قدر: اندازه گرفتن؛ اندازه کردن چیزی؛ ارزش؛ اعتبار؛ اندازه؛ شب قدر (عمید، ۱۳۸۹: ۹۰۰/۱).

۴. تقدیر: قضا و فرمان خداوند؛ نصیب، قسمت و سرنوشتی که خداوند برای بندگان خود معین فرموده؛ اندازه چیزی (عمید، ۱۳۸۹: ۳۴۲/۱).

۵. نظم: آراسته بودن؛ ترتیب؛ کلام موزون و دارای قافیه (همان، ۱۲۱۸).

راهبردی خداوند یاد نمود (قوامی، ۱۳۹۳: ۵۶). خداوند در قدم نخست بر اساس برنامه‌ریزی راهبردی به خلقت جهان هستی اقدام نمود که آیه ۴ سوره دخان: «فِيهَا يُفَرَّقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ»، مؤید مدعاست؛ زیرا: «۱. شب قدر در هر سال تکرار می‌شود «يُفَرَّقُ» - فعل مضارع، نشانه استمرار است؛ ۲. مقدرات شب قدر نسبت به مسائل کلیدی و اساسی است «كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ»؛ یعنی هر کار استوار و ریشه‌ای؛ ۳. شب قدر، شب سرنوشت است «فِيهَا يُفَرَّقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ» (قرائتی، ۱۳۸۳).

علامه طباطبائی در تبیین آیه می‌فرماید: «فَرَّقَ که ماده اصلی يُفَرَّقُ است به معنای جدا کردن چیزی از چیز دیگر است؛ به‌طوری‌که از یکدیگر متمایز شوند. در مقابل این معنا کلمه «احکام» قرار دارد، پس «امر حکیم» عبارت است از امری که الفاظش از یکدیگر متمایز نباشد و احوال و خصوصیاتش متعین نباشد. امور به‌حسب قضای الهی دارای دو مرحله‌اند، یکی اجمال و ابهام و یکی دیگر مرحله تفصیل. «شب قدر» نیز آن‌گونه که از آیه «فِيهَا يُفَرَّقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ» برمی‌آید، شبی است که امور از مرحله احکام و ابهام به مرحله فرق و تفصیل بیرون می‌آیند (طباطبائی، ۱۳۷۶: ۱۸/۲۱۰). بر اساس آیه موردنظر برنامه‌ریزی خداوند نسبت به جهان هستی و مخلوقاتش در دو مرحله تقدیر گردیده است. عبارت: «کل امر حکیم»؛ یعنی یک برنامه‌ی راهبردی^۱ که حاوی کلیات و اصول قابل تطبیق با نیازهای سالانه انسان می‌باشد و در شب قدر، تقدیر می‌شود و دیگری برنامه‌ریزی عملیاتی که در طول سال مورداجرا واقع می‌گردد.

۲. ۱. ۳. برنامه‌ریزی سالانه

از دیگر نوع، برنامه‌ریزی سالانه نسبت به جهان خلقت و خصوصاً انسان، بر اساس سوره قدر است: ما قرآن را در شب قدر نازل کردیم! و تو چه می‌دانی شب قدر چیست؟! شب قدر بهتر از هزار ماه است! فرشتگان و «روح» در آن شب به اذن پروردگارشان برای (تقدیر) هر کاری نازل می‌شوند. شبی است سرشار از سلامت

۱. از نمونه‌ها، برنامه‌ریزی پانزده‌ساله حضرت یوسف(ع) است که آیات ۴۷ - ۴۹ سوره یوسف، دلیل این حقیقت است.

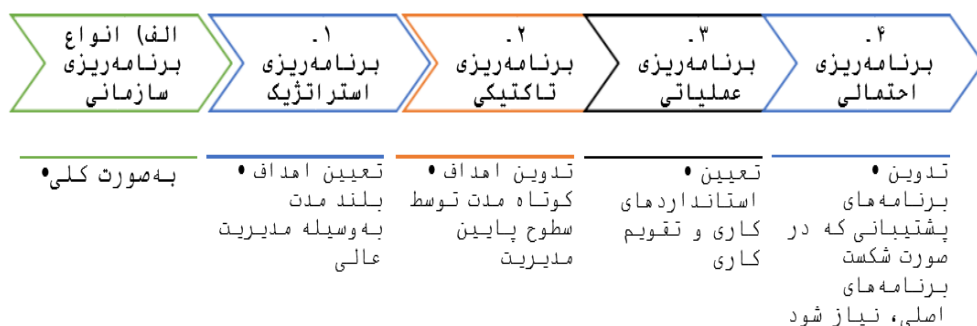
(برکت و رحمت) تا طلوع سپیده. از آیات سوره قدر و آیات دوم تا ششم سوره دخان، استفاده می‌شود که خداوند در شب قدر ملائکه را مأمور نموده است تا برنامه‌بودجه مادی و معنوی انسان‌ها را برای یک سال تنظیم و در اختیار خلیفه خداوند - در عصر غیبت امام عصر(عج)، قرار دهند تا بر اساس مقدرات الهی نسبت به اجرا امور، نظارت و کنترل داشته باشد. از گفته‌های اکثر اندیشمندان قرآن‌پژوه و آیه ۱ سوره فرقان: «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ»، استفاده می‌شود مراد از شب مبارکه در آیه سوم سوره دخان، شب قدر است که در ماه رمضان قرار دارد و تمام امورات یک‌ساله افراد در آن شب از سوی خداوند تقدیر می‌شود. خداوند تمام امورات یک سال هر فرد را همانند زندگی و مرگ؛ رزق و نداری؛ سعادت و شقاوت؛ کامیابی و ناکامی؛ سلامتی و بیماری؛ پیشرفت و عقب‌ماندگی؛ عزتمندی و بی‌عزتی و ...، مقدر می‌سازد.

خلاصه، بر اساس آیات و روایات، شب نزول قرآن را، شب قدر نامیده؛ زیرا شب قدر، شب اندازه‌گیری و برنامه‌ریزی است. مفسرین و قرآن‌پژوهان بر این باور هستند که خداوند در شب قدر، تمام حوادث و امورات یک‌ساله را، تقدیر می‌نماید: «فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ؛ أَمْرًا مِّنْ عِنْدِنَا إِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ (دخان/ ۴ و ۵)»، کلمه «فرق» به معنای جداسازی و مشخص کردن دو چیز از یکدیگر است. فرق امر حکیم، این است هر حادثه‌ای، باید با تقدیر و اندازه‌گیری مشخص شود که در وصف شب قدر، آمده است.

۲.۳. برنامه‌ریزی از نگاه مدیریت

از بررسی اجمالی متون مدیریتی و توجه به جنبه‌های گوناگون برنامه‌ریزی، می‌توان گفت برنامه‌ریزی از تنوع بی‌شماری برخوردار است. درمجموع پس از بررسی کتاب‌های مدیریتی: «علی آقا پیروز، مدیریت در اسلام، فصل دوم؛ قوامی، تفسیر موضوعی قرآن کریم؛ رضائیان، مبانی سازمان و مدیریت؛ پیرس و رابینسون، برنامه‌ریزی و مدیریت استراتژیک؛ دوید، مدیریت استراتژیک؛ رنگ ریزی، تحلیل مسائل برنامه‌ریزی نیروی انسانی؛ سبحانی، برنامه‌های راهبردی و عملیاتی تحول در نظام اداری؛ سیدجوادین، برنامه‌ریزی نیروی انسانی»، می‌توان گفت که برنامه‌ریزی:

۱) به لحاظ ماهیت: به فیزیکی، سازمانی، فرآیندی، مالی وظیفه‌ای و عمومی؛ ۲) از جنبه زمانی به کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت؛ ۳) از حیث هدف به جزئی، عملیاتی و استراتژیک؛ ۴) به‌طور کلی به راهبردی، تاکتیکی و کاربردی؛ ۵) از نگاه مدیریتی خاص به راهبردی، اجرائی، تاکتیکی و احتمالی، قابل تفکیک و دسته‌بندی است. به



همین جهت، نسبت به برنامه‌ریزی شیوه‌ها، روش‌ها، دیدگاه‌ها، برداشتها و تحلیل‌های بی‌شماری وجود دارد که در این نوشتار قابل تبیین و تحلیل نیست.

۴. اصول برنامه‌ریزی

۴.۱. از منظر قرآن

از عناصری که بیشتر مورد اهتمام خداوند قرار گرفته است، اصول برنامه‌ریزی می‌باشد. از بررسی‌ها، روشن گردید که مراد از «اصول» همان معیارها و قواعدی هست که به‌عنوان راهنمای عملکرد و رفتار طراحان، برنامه‌ریزان و مدیران، برشمرده می‌شود تا آنان با استفاده از این اصول، برنامه‌های جامع، اصول‌مند، راهکار مند و مؤثر را، طراحی، تهیه، تدوین، تصویب و اجرائی نمایند. در این قسمت به اصول برنامه‌ریزی از منظر آموزه‌های وحی اشاره می‌شود؛ برای این‌که: «آیات قرآن و تفکر در آن برای هر انسان پاک‌دل و حق‌جویی روشن‌کننده راه است. بامطالعه قرآن، می‌توان حقانیت را دریافت و این را کسانی درک می‌کنند که با صداقت، تقوا و توسعه صدر در مفاهیم آن اندیشه کنند و مطابق روز آن را تفسیر نمایند (عباس نژاد، ۱۳۸۴: ۵۹)».

۴.۱.۱. علمی و مقتدر

ازجمله اصول برنامه‌ریزی بر اساس آیات، علمی و مقتدر بودن است؛ یعنی: «از یک سو می‌باید بر اساس آگاهی‌های لازم صورت پذیرد و از سوی دیگر استوار باشد تا هیچ

خللی بر آن وارد نشود (قوامی، ۱۳۹۳: ۵۹)». آیاتی که مؤید این اصل هستند، تماماً پایان آن‌ها به جملات «ذالک تقدیر العزیز الحکیم» و یا: «تقدیر العزیز العلیم»، ختم می‌شوند؛ چون برنامه‌ریزی که از سوی خداوند حکیم صورت می‌گیرد، دارای پشت بانی علم و اقتدار است:

۱. انعام/ ۹۵ - ۹۶: خداست که دانه و هسته را می‌شکافد، زنده را از مرده و مرده را از زنده پدید می‌آورد، آن خداست، پس به کجا گردانیده می‌شوید؛ خداست شکافنده پرده صبحگاهان و شب را برای آسایش مقرر داشته و خورشید و ماه را به نظمی معین درآورده، این تقدیر خدای مقتدر داناست؛

۲. یس/ ۳۸: و نیز خورشید تابان برمدار معین خود دائم بی‌هیچ اختلاف به گردش است. این طرح و تدبیر خدای دانای مقتدر است؛

۳. فصلت/ ۱۰ - ۱۲: و او روی زمین کوه‌ها را برافراشت و انواع برکات بسیار در آن قرارداد و قوت و ارزاق اهل زمین را در چهار روز مقدر و معین فرمود و روزی طلبان را یکسان در کسب روزی خود گردانید؛ و آنگاه به خلقت آسمان‌ها توجه کامل فرمود که آسمان‌ها دودی بود، پس به آسمان و زمین فرمود که همه به شوق و رغبت یا به جبر و کراهت بشتابید. آن‌ها عرضه داشتند: ما باکمال شوق و میل می‌شتابیم؛ آنگاه نظم هفت آسمان را در دو روز استوار فرمود و در هر آسمانی امرش را وحی فرمود و آسمان دنیا را به چراغ‌های درخشنده زیب و زیور دادیم و آن را حفظ کردیم. این تقدیر خدای مقتدر و داناست؛

۴. یس/ ۳۸: و خورشید که همواره به‌سوی قرارگاهش حرکت می‌کند. این اندازه‌گیری توانای شکست‌ناپذیر و داناست. از آیات درمی‌یابیم که برنامه‌ریزی بدون آگاهی و اقتدار، کار آبی مطلوب را به دنبال ندارد. خداوند وقت واژه تقدیر را بیان می‌دارد، همراه واژگان «عزیز» و «علیم» که: «بیشتر مترجمان و مفسران به «توانا» و «دانا»، معنا کرده‌اند (قوامی، ۱۳۹۳: ۶۱)»، می‌آورد؛ چون علم و قدرت دو صفتی ممتاز است که در برنامه‌ریزی از اهمیت ویژه برخوردار می‌باشند. وقتی ما به متون تفسیری مراجعه می‌کنیم و نسبت به تفسیر آیات موردنظر اهتمام می‌ورزیم به نکات خوبی دست می‌یابیم. ازجمله نظرگاه علامه طباطبائی در تفسیر المیزان است: «و چون در شکافتن صبح و موقع استراحت قرار دادن شب و هم‌چنین حرکت ماه و خورشید -

که باعث پدید آمدن شب و روز و ماه و سال می‌گردد - تقدیر عجیبی به‌کاررفته و در نتیجه این تقدیر موجب انتظام نظام معاش انسان و مرتب شدن زندگی او شده و در ذیل آیه فرموده: «ذالک تقدیر العزیز الحکیم» و باین بیان این جمله می‌فهماند که خدای تعالی آن عزیز و مقتدری است که هیچ قدرتی بر قدرت او نمی‌تواند غالب شود تا کوچک‌ترین اثری در تباه ساختن تدبیر او داشته باشد و نیز خدای تعالی آن دانایی است که به کوچک‌ترین چیزی از مصالح مملکت خود جاهل نیست تا مانند سایر کشور داران، نظام مملکتش دچار تباهی شده و دوام پیدا نکند (طباطبائی، ۱۳۶۴: ۷/۳۹۸).

خلاصه، برنامه‌ریزی بر اساس اصول و قواعد علمی، اهمیت بسزایی در پیشبرد اهداف فردی و سازمانی دارد: «برنامه‌ریزی، مانند پلی، زمان حال را به آینده مرتبط می‌سازد (محمدی، ۱۳۹۱: ۱۴۱)». در اهمیت برنامه‌ریزی بر اساس اصل علمی، همین بس که نبی مکرم اسلام (ص) می‌فرماید: «یابن مسعود إذا عملت عملاً فاعمل بعلم و عقل و ایاک ان تعمل عملاً بغير تدبیر و علم (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ۷۴/۱۱۰)» و نیز در آیه ۹۲ سوره نحل که خداوند می‌فرماید: «مانند آن زن نباشید که رشته‌های خود را پس از تافتن و محکم کردن و اتابیدگی و پاره‌پاره کرد، به‌طوری‌که سوگندهای خود را وسیله فریب و فساد میان خود قرار دهید به خاطر آنکه گروهی از گروهی افزون‌تر و بهره‌مندترند...»، مؤید این مدعاست.

۲.۱.۴. استانداردسازی

ازجمله اثرگذاری برنامه‌ریزی نسبت به موضوعات «تولیدات و صنایع» است که مدیران، برنامه‌ریزان و طراحان در زمان برنامه‌ریزی، نسبت به اصل استانداردسازی هر چیزی اهتمام داشته باشند تا بعداً به مشکل مواجه نشوند. این مهم در نظام وحیانی با واژگان «قدر» و «مقدار»، مورد تجزیه و تحلیل واقع گردیده است: «وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنَزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَّعْلُومٍ» (حجر/۲۱) و یا: «اللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَحْمِلُ كُلُّ أُنْثَىٰ وَمَا تَغِيضُ الْأَرْحَامُ وَمَا تَزْدَادُ وَكُلُّ شَيْءٍ عِنْدَهُ بِمِقْدَارٍ» (رعد/۸).

آیه ۲۱ سوره حجر، گویایی این حقیقت است که هر چیزی در نزد خدا خزائنی دارد و هنگامی که قرار است خلق و تولید شود، با اندازه معلوم که از پیش طراحی و استانداردسازی شده، به وجود می‌آید؛ یعنی مشخصاً استانداردها بدین معناست که

هر چیزی از همه ابعاد، دارای حد مشخصی باشد؛ به گونه‌ای که از آن اندازه معین شده، تجاوز نکند. آیات موردنظر بیان‌گر وجود استانداردهای معین الهی نسبت به مخلوقاتش در سطوح مختلف است که بر اساس برنامه‌ریزی و استانداردسازی، تقدیر گردیده است؛ به عبارت دیگر، تمام مخلوقات هستی از جمله انسان که گل سرسبد کائنات محسوب می‌شود از نظر خلق و خلق به گونه‌ای تناسب‌سازی و استانداردسازی میان اعضای بدنش انجام شده است که اگر این اصل استانداردسازی وجود نداشته باشد، قطعاً نظم سیستم بدن انسان به هم می‌خورد و نارسایی‌ها و نازیبایی‌ها، خود را نشان می‌دهد.

۴.۱.۳. سهمیه‌بندی

در ارتباط با برنامه‌ریزی، اصل سهمیه‌بندی بر اساس ظرفیت‌ها و کاربردهاست؛ یعنی: «در برنامه‌ریزی الهی هر بخش دارای سهمیه مشخص بوده و هر شیء به اندازه معین و در بسته‌های معلوم و تعداد مشخص، توزیع می‌شود (قوامی، ۱۳۹۳: ۶۲)». آیاتی همانند: مؤمنون / ۱۸: «وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَسْكَنَاهُ فِي الْأَرْضِ وَإِنَّا عَلَى ذَهَابٍ بِهِ لَقَادِرُونَ»؛ زخرف / ۱۱: «وَالَّذِي نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَنْشَرْنَا بِهِ بَلْدَةً مَّيْتًا كَذَلِكَ تُخْرَجُونَ»، گواهی بر مدعاست که سهمیه‌بندی و توزیع مناسب منابع در نظام هستی، از جمله اصول لازم‌الاجرا در برنامه‌ریزی برشمرده می‌شود. در حقیقت جنبه رحمانیت الهی ایجاب می‌کند که همه مخلوقات هستی در حد ظرفیت خویش از موهبت الهی برخوردار گردند و اگر در مواردی نسبت به موجودی تفاوت احساس می‌شود، از بعد رحیمیت خداوند و اطاعت مطلق مخلوق در برابر خالق است.

بنابراین، از واژه «بقدر» در آیات مورد استناد، به خوبی فهمیده می‌شود که از جمله اصول برنامه‌ریزی مؤثر در نظام هستی و نیز سازمان‌های بشری، توزیع عادلانه و سهمیه‌بندی مناسب امکانات موجود برای بخش‌های مختلف و نیروهای انسانی، متفاوت می‌باشد؛ زیرا سازمان و نظامی مقتدر، مستدام و اثرگذار خواهد بود که در توزیع منابع مادی و معنوی از برنامه‌ریزی مناسب و به موقع برخوردار باشد تا در پیشرفت سازمان و انگیزه‌بخشی نیروی انسانی، کمک نماید.

افراط و تفریط در تمام امور به خصوص برنامه ریزی از جمله کاستی های جبران ناپذیر و خطای استراتژیک، محسوب می شود. در برنامه ریزی الهی ظرفیت ها و توانایی های هر چیزی در نظر گرفته شده است و بر اساس همان ظرفیت های بالفعل موجودات، برنامه ریزی انجام شده است: «چراکه هر موجودی ظرفیت خاص خود را دارد. بر اساس همین اصل است که خداوند در مدیریت خود منابع مادی و معنوی را طبق ظرفیت ها توزیع می نماید (قوامی، ۱۳۹۳: ۶۳)». آیه ۱۷ سوره رعد، بهترین دلیل بر مدعاست: «خدا از آسمان آبی نازل کرد که در هر رودی به قدر وسعت و ظرفیتش سیل آب جاری شد و بر روی سیل کفی برآمد چنان که فلزاتی را نیز که برای تجمّل و زینت یا برای اثاث و ظروف در آتش ذوب کنند مثل آب کفی برآورد، خدا به مثل این برای حق و باطل مثل می زند که (باطل چون) آن کف به زودی نابود می شود و اما (حق چون) آن آب و فلز که به خیر و منفعت مردم است در زمین درنگ می کند. خدا مثل ها را بدین روشنی بیان می کند».

آیه مورد نظر نشانه این حقیقت است که در نظام هستی هر موجودی در حد ظرفیت خود از امکانات مادی و معنوی و از فضل رحمانیت و رحیمیت الهی، برخوردار می باشد؛ چون اگر امکانات بیش از ظرفیت لحاظ شود، موجب طغیان و سرکشی و یا اسراف و تجمّل گرایی می شود و اگر امکانات کمتر از ظرفیت و استحقاقش بود، باعث بی عدالتی، انگیزه سوزی و سرشکستگی موجودات و مخلوقات نظام هستی می گردد. در تفسیر مجمع البیان، آمده است: «کلمه «وادی» به معنای دامنه کوه های بزرگ است که همه آب ها به هنگام بارندگی در آن جمع می شود. کلمه «قدر» به معنای قرین شدن چیزی است به چیزی دیگری؛ به گونه ای که از آن چیز هیچ کم و زیادی نداشته باشد. بدین ترتیب هنگامی که مساوی آن شد، قدر (اندازه) آن می شود (طبرسی، بی تا: ۴۴/۱۳)».

از جمله اصولی که در برنامه ریزی لحاظ شده، زمان بندی است. این مهم در برنامه ریزی نظام خلقت، برجسته است: أَلَمْ نَخْلُقْكُمْ مِنْ مَّاءٍ مَّهِينٍ - فَجَعَلْنَاهُ فِي قَرَارٍ

مَكِينٍ - إِلَى قَدَرٍ مَعْلُومٍ - فَقَدَرْنَا فَنِعْمَ الْقَادِرُونَ - وَيَلَّ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ (مرسلات/ ۲۰ - ۲۴) و یا خداوند در آیه ۳۴ سوره اعراف می‌فرماید: و هر قومی را دوره‌ای و اجل معینی است که چون اجلشان فرارسد، لحظه‌ای پس‌وپیش نخواهند شد.

از آیات و روایات به‌خوبی استفاده می‌شود که نظام خلقت بر اساس برنامه‌ریزی زمانمند، شکل یافته است و این مهم به‌عنوان یک اصل مسلم در نظام الهی، تلقی می‌گردد. سازمان‌های بشری نیز از این قاعده مستثنا نمی‌باشند؛ چون: «عمر سازمان‌ها، رژیم‌های سیاسی، ملت‌ها، مدیریت‌ها ریاست‌ها نیز مشمول این قاعده است؛ زیرا هرکدام مصداقی از «امت» هستند؛ بنابراین، خدا در تقدیر و برنامه‌ریزی خود زمان و اجل را معین کرده است (قوامی، ۱۳۹۳: ۶۶)». از این‌رو، هر کاری زمان خاص خود را می‌طلبد که در همان زمان تعیین‌شده، انجام شود و در غیر آن، ممکن است به فساد و یا اتلاف هزینه و زمان، بیانجامد.

۴.۱.۶. آینده‌نگری

دوراندیشی در حقیقت پیش‌بینی آینده، لحاظ شرایط آینده، نیازسنجی آینده، آمادگی برای مواجهه با آینده و اندیشیدن در پایان و فرجام امورات زندگی فردی و جمعی به‌هنگام طراحی و برنامه‌ریزی است. ازجمله اصول راه کارمند و مؤثر در برنامه‌ریزی از نگاه وحی، آینده‌نگری است که سبب جلوگیری از اشتباهات و لغزش‌ها و نیز موجب افزایش بهره‌وری و تبدیل تهدیدات به فرصت‌های سازمانی و رفع اضطراب روحی و روانی نیروی انسانی می‌گردد. امام صادق (ع) می‌فرماید: «هرکس در عاقبت هر کاری نیندیشد، کاردان (دوراندیش) نیست. آینده‌نگری (برنامه‌ریزی) برای آینده، اطمینان و آرامش دل‌ها را به دنبال دارد (حکیمی، ۱۳۹۱: ۱/ ۲۷۵)». آیات زیر همگی مبین این واقعیت است که عاقبت‌اندیشی نسبت به امور زندگی ازجمله، تأکیدات قرآن است. در صورت اهتمام از سوی افراد برنامه‌ریز، عاقبت خوش و سعادت‌مند را برای خود و مجموعه، به ارمغان می‌آورد.

۱) انبیاء، ۱۰۵: و مابعد از تورات در زبور نوشتیم که البته بندگان نیکوکار من ملک زمین را وارث و متصرف خواهند شد؛

۲) غافر، ۵۱: البته رسولان خود و اهل ایمان را هم در دنیا ظفر و نصرت می‌دهیم و هم روز قیامت که گواهان به شهادت برخیزند؛

۳) صف، ۹: اوست خدایی که رسولش را به هدایت خلق و ابلاغ دین حق فرستاد تا آن را هرچند مشرکان خوش ندارند بر همه ادیان عالم غالب گرداند؛

۴) بقره، ۸۱: آری، هر کس اعمالی زشت اندوخت و کردار بدش به او احاطه نمود، چنین کسانی اهل دوزخاند و در آن آتش پیوسته معذب خواهند بود؛

۵) حشر، ۱۸: ای اهل ایمان، خداترس شوید و هر نفسی نیک بنگرد تا چه عملی برای فردای قیامت خود پیش می‌فرستد و از خدا بترسید که او به همه کردارتان به‌خوبی آگاه است؛

۶) آل عمران، ۱۳۰: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، ربا مخورید که دائم سود بر سرمایه افزایش تا چند برابر شود و از خدا بترسید، باشد که رستگاری یابید؛

۷) آل عمران، ۱۳۷: پیش از شما مللی بودند و رفتند، پس در اطراف زمین گردش کنید تا ببینید چگونه تکذیب کنندگان، هلاک شدند. آیات دیگر: بقره، ۲۱۹؛ توبه، آیه ۳۴؛ حج، ۴۶؛ یوسف، ۱۱۱؛ حشر، ۲.

خلاصه، با توجه به آیات مورد استناد آینده‌نگری، عاقبت‌اندیشی، آینده محوری و آخرت باوری از جمله مسائل مهم و دغدغه انگیز، بشر برشمرده می‌شود که تأکید شده است؛ چون بشر همیشه نسبت به آینده و عاقبت امور خود بیمناک و حساس بوده است. باین‌وجود، گرچه آینده برای انسان‌ها چهره‌ای ناپیدا دارد، اما بر اساس آموزه‌های دینی با برنامه‌ریزی عاقبت‌اندیشانه، آخرت باورانه و آینده‌نگرانه، می‌توان پرده از چهره آن برداشت؛ زیرا: «دوراندیشی، نظر افکند به عاقبت و سرانجام کارها و مشاوره با خردمندان است (آمدی، ۱۳۸۰: ۱/ ۲۴۳)» که افراد برنامه‌ریز و طراح، آینده درخشان، رستگار مندانه و توأم بانشاط روحی و شادابی جسمی را برای خود و دیگران رقم‌زده و از خطاها، نگرانی‌ها و رنجش‌ها با آینده‌نگری مصون می‌مانند، ولی عدم آینده‌نگری، انسان را به نابودی می‌کشاند: «کسی که با دوراندیشی مخالفت کند، نابود شود (همان، ۲۴۵)».

۴.۱.۷. عدالت‌محوری

عدالت‌محوری در برنامه‌ریزی از اصول دیگر است که باید برنامه‌ها عدالت‌محورانه، طراحی و تدوین گردد. می‌توان گفت از جمله جلوه‌های عدالت‌محوری، مفهوم آیات ۷ و ۸، سوره انفطار است: «الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ - فِي أَيِّ صُورَةٍ مَا شَاءَ رَكَّبَكَ».

رعایت عدالت و میانه‌روی در امور از ضرورت‌های دینی برشمرده می‌شود که سیره اولیاء دین به‌خصوص نبی گرامی اسلام (ص)، گواهی بر این واقعیت است؛ زیرا سیره رفتاری و گفتاری حضرت از افراط و تفریط به دور بوده است. این یک اصل برای مدیران، برنامه‌ریزان و طراحان امور سازمانی و نظام‌های اجتماعی محسوب می‌شود که از اعتدال و میانه‌روی بهره‌گیرند تا کارها و برنامه‌ریزی‌ها، بیشتر به واقعیت منطبق باشد و نه به خیالات و ایده‌های دست‌نیافتنی.

عدالت محوری در امور مختلف از جمله موضوعات حیاتی است که برنامه‌ریزان اهتمام داشته باشند؛ برای این که: «برنامه‌های دین اسلام بر اصل مهم اعتدال استوار است؛ زیرا طبق آموزه‌های دین، هیچ برنامه‌ای بدون توجه به این اصل و پرهیز از هرگونه تندروی یا کندروی، به نتیجه مطلوب نخواهد رسید. اعتدال و میانه‌روی مسئله عقلی است و به حکم عقل این نکته روشن می‌شود که بهترین راه انجام دادن کارها، اعتدال و میانه‌روی است و هیچ‌گاه با افراط و تفریط نمی‌توان کارها را به سامان رساند و به اهداف دست‌یافت (محمدی، ۱۳۹۱: ۱۵۳ - ۱۵۴)». از این رو، آیاتی همانند: انعام، ۱۱۵؛ نحل، ۹۰؛ جائیه، ۲۲؛ آل عمران، ۳ و ۵۷؛ حدید، ۲۵؛ مائده، ۸؛ ممتحنه، ۸؛ نساء، ۳ و ۵۸؛ مائده، ۴۲؛ اعراف، ۲۹، از نمونه‌ها و مصادیق روشن مسئله عدالت محوری، برشمرده می‌شود که محتوا و جوهره اصلی آیات را، رقم‌زده است.

۸. ۱. ۴. توکل‌مداری

از جمله ضوابطی که باید مورد اهتمام در برنامه‌ریزی قرار گیرد، اصل «توکل» به خداوند است. این اصل از نگاه آموزه‌های وحیانی به قدر حائز اهمیت است که خداوند نتیجه مشورت جمعی و اراده فردی را در گرو آن دانسته است: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ» (آل عمران/ ۱۵۹)؛ چون اعتماد بر خالق هستی در تمام عرصه‌ها و ساحت‌های زندگانی، کفایت بخش امور و نویدبخش سرانجام خوش خواهد بود: «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ» (طلاق/ ۳). در حقیقت، این خداوند است که برای برنامه‌ریز و طراح، راه را نشان می‌دهد؛ چون معنای «کفایت امور» در آیه، مؤید این واقعیت است؛ زیرا برنامه‌ریزی که در طراحی‌ها و برنامه‌ها از خداوند مدد می‌جوید، قطعاً گشایشی در

کارها و برنامه‌ریزی‌های او، حاصل می‌شود: «انسان با توکل بر خداوند متعال، خود را به حقیقت هستی و سبب اصلی متصل می‌گرداند؛ همان سببی که برتر از او سببی نیست؛ اراده‌ای که مغلوب هیچ چیزی نمی‌شود و نظام اسباب و مسببات، همه از علم و اراده او سرچشمه می‌گیرد. چنین انسانی با توکل بر خداوند سبحان از نظر اراده و سایر صفات روحی چنان قوی و نیرومند می‌شود که مغلوب هیچ عامل دیگری نمی‌شود و به موفقیت قطعی و سعادت حقیقی، نائل می‌گردد (علی آقا پیروز، ۱۳۹۴: ۴۶)».



مدد می‌جوید و با اتکال بر او، راه‌های نیل به اهداف را پیش‌بینی می‌کند، خداوند نیز ضمن یاری او در پیش‌بینی‌ها، با الهامات غیبی خویش از طریق جرقه‌های ذهنی، وی را در رسیدن به مقصود یاری داده، از مشکلات و تنگناهای برنامه‌ها خلاصی می‌بخشد، یا از راهی پیش‌بینی نشده او را به هدف مطلوب می‌رساند. در حقیقت خداوند برای متوکل، هم راه را نشان می‌دهد و هم در اجرای برنامه او را به نتیجه مطلوب می‌رساند (همان)».

۲.۴. اصول برنامه‌ریزی از نگاه مدیریت

در ارتباط با اصول برنامه‌ریزی از نگاه ادبیات رایج، دیدگاه‌های متفاوت و تقسیمات گوناگون وجود دارد که در منابع، مطرح است. در یک دسته‌بندی، اصول برنامه‌ریزی؛

یعنی: تعیین هدف؛ دستیابی به اهداف؛ برنامه‌ریزی بر مبنای اطلاعات مورد اعتماد؛ قابلیت انعطاف؛ هماهنگی با سایر برنامه؛ برقراری ارتباطات؛ ارزش‌یابی منظم (فایضی، ۱۳۷۵: ۸۸ - ۹۰). درمجموع با توجه به نقاط اشتراک و افتراق اصول برنامه‌ریزی از منظر قرآن و مدیریت، می‌توان گفت اصول برنامه‌ریزی از نگاه ادبیات مدیریتی، عبارت‌اند از: ۱. تعیین اهداف؛ ۲. تشخیص نیازها و کاستی‌ها؛ ۳. تعیین زمان لازم؛ ۴. طبقه‌بندی اهداف بر اساس اولویت؛ ۵. داشتن تنوع در برنامه؛ ۶. تناسب با توانمندی؛ ۷. انعطاف‌پذیری؛ ۸. عدم ایدئال‌نگری؛ ۹. بازخورد گرفتن؛ ۱۰. بررسی برنامه. بنائاً، منظور از اصول در برنامه‌ریزی؛ یعنی: «هر آنچه به‌عنوان ملاک، معیار، الگو و راهنمای رفتار و عمل برنامه‌ریزان است و باید از آن‌ها استفاده شود (شفیعی و همکاران، ۱۳۹۶: ۶۱)»، می‌باشد. یا اصول به معنای: «دستورالعمل‌هایی است برای قضاوت ارزش‌ها در مسیر حرکت مربوط به برآوردن یک هدف یا اهدافی که درستی آن‌ها از قبل پذیرفته‌شده است (شفیعی و همکاران، ۱۳۹۶: ۶۰)». برای آگاهی بیشتر مراجعه شود به^۱.

جمع‌بندی

انجام به‌موقع امور و کارهای مطلوب، در گروه برنامه‌ریزی اصول‌مدارانه است. از مجموع بررسی‌های انجام‌شده، این‌گونه استفاده می‌شود که:

۱. برنامه‌ریزی از واژگان پرکاربرد در عرصه مدیریت و نظام خلقت برشمرده می‌شود. اسلام به‌عنوان جامع‌ترین و کامل‌ترین دین و دارای متقن‌ترین معارف و حیانی، نسبت به ابعاد زندگانی بشر و خصوصاً بعد معنوی از برنامه‌ریزی اصول‌مند و قانون‌مدار،

^۱. منابع موردنظر عبارت‌اند از: رضائیان، مبانی سازمان و مدیریت، ص ۲۲۹ - ۲۳۵؛ پیرس و رابینسون، برنامه‌ریزی و مدیریت استراتژیک؛ رنگ ریزی، تحلیل مسائل برنامه‌ریزی نیروی انسانی؛ سبحانی، برنامه‌های راهبردی و عملیاتی تحول در نظام اداری؛ سعیدی مدیریت و برنامه‌ریزی استراتژیک در عمل؛ سیدجوادین، برنامه‌ریزی نیروی انسانی؛ افشاری، برنامه‌ریزی اقتصادی؛ اعرابی، دست‌نامه برنامه‌ریزی استراتژیک.

برخوردار می‌باشد؛ زیرا برنامه‌ها و فعالیت‌های جوامع بشری و اسلامی را در جهت رسیدن به سعادت حقیقی و جاودانه اخروی، طراحی، تهیه و تنظیم نموده است؛

۲. با توجه به آیات مورد استناد از عمده‌ترین اصول برنامه‌ریزی مطلوب از منظر قرآن «علمی؛ استانداردسازی؛ سهمیه‌بندی؛ ظرفیت‌سنجی؛ زمان‌مندی؛ آینده‌نگری؛ عدالت‌محوری؛ توکل‌مداری» را، می‌توان برشمرد که نقش اساسی در بهبود برنامه‌های زندگانی، بشریت دارد؛

۳. عدم بهره‌گیری از اصول برنامه‌ریزی بر اساس وحی و یا به‌کارگیری منفعلانه، افراد را از دستیابی به اهداف استراتژیک و انسانی، محروم ساخته و آینده نابسامان و اضطراب‌آور را رقم خواهیم زد؛

۴. واژگان همانند تدبیر، تقدیر، قدر، نظم، انضباط، تلاش و امور از جمله واژگانی قرآنی هستند که در برنامه‌ریزی، استعمال می‌گردد و در عرصه مدیریت از جمله وظایف اصلی مدیران برشمرده می‌شود؛ چون انجام درست تمام امور مدیریتی مشروط به برنامه‌ریزی اصول‌مند، می‌باشد؛

۵. در نظام خلقت برنامه‌ریزی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار و قابل استناد می‌باشد؛ زیرا تمام انواع برنامه‌ریزی که در مدیریت مطرح است، در نظام هستی به‌صورت مستوفی از آن‌ها بهره گرفته‌شده و برای تدبیر امور خلقت از سوی مدبر اصلی، لحاظ گردیده است.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، پاییز و زمستان ۱۳۹۶ - شماره ۱۵، علمی- ترویجی.
۴. اصول مدیریت و الگوهای آن، چ ۲۴، نویسنده: ، تهران: انتشارات ماه، ۱۳۸۵.
۵. اعرابی، سید محمد، درس‌نامه برنامه‌ریزی استراتژیک، چ ۵، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۹۰.
۶. افشاری، زهرا، برنامه‌ریزی اقتصادی، چ ۲، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۸۶.
۷. انواری، حسن، فرهنگ فشرده سخن، ج ۱، چ ۱، تهران: نشر سخن، ۱۳۸۲.
۸. انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، ج ۸، چ ۱، تهران: انتشارات سخن، ۱۳۸۱.
۹. آذر نوش، آذرتاش، فرهنگ معاصر عربی - فارسی، چ ۷، تهران: نشر نی، ۱۳۸۵.
۱۰. آراسته، ناصر، نیم‌نگاهی به مدیریت و برنامه در قرآن، تهران: انتشارات سبز ایران، چاپ اول، ۱۳۸۸.
۱۱. آمدی، غررالحکم و درر الکلم، ج ۱، چ ۴، مترجم: سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران: انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۰.
۱۲. بهاری بابایی و همکاران، آینده‌پژوهی و آینده‌نگری در برنامه‌ریزی از نگاه قرآن کریم، اولین کنفرانس سالانه بین المللی عمران، معماری و شهرسازی، شیراز: ۱۳۹۴.
۱۳. پور حسینی، سید جواد، ریشه‌یابی تفکر و برنامه‌ریزی استراتژیک، ماهنامه تدبیر، شماره ۱۹۴، ماهنامه علمی و آموزشی در زمینه مدیریت، سال نوزدهم، ۱۳۷۸.
۱۴. پیرس و رایبسنسون، برنامه‌ریزی و مدیریت استراتژیک، چ ۶، مترجم: سهراب خلیلی شورینی، تهران: انتشارات یادواره کتاب، ۱۳۸۹.
۱۵. حکیمی، محمدرضا، ترجمه الحیات، ج ۱، چ ۱۱، مترجم: احمد آرام، قم: انتشارات دلیل ما، ۱۳۹۱.
۱۶. حیدری تفرشی، غلام‌حسین، مدیریت اسلامی، چ ۱، اراک: انتشارات نویسنده، ۱۳۸۶.
۱۷. دوید، فرد آر، مدیریت استراتژیک، مترجمان: سید محمد اعرابی و محمدتقی زاده، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۹۳.
۱۸. دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه دهخدا، ج ۱۴، چ ۲، واژه نظام، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.

۱۹. دهقان، اکبر، تفسیر نسیم رحمت، ج ۱۴، چ ۲، قم: انتشارات حرم حضرت معصومه سلام‌الله علیها، ۱۳۹۲.
۲۰. رضائیان، علی، مبانی سازمان و مدیریت، چ ۱۹، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۹۵.
۲۱. رضائیان، علی، مبانی سازماندهی، چ ۱، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۷۹.
۲۲. رنگ ریزی، حسن، تحلیل مسائل برنامه‌ریزی نیروی انسانی، تهران: مؤسسه کتاب مهربان نشر، ۱۳۹۴.
۲۳. ری‌شهری، محمد، میزان الحکمه با ترجمه فارسی، ج ۱، چ ۱، ح ۱۲۹، قم: دارالحديث، ۱۳۷۷.
۲۴. سبحانی، غلامرضا بلند طلب، برنامه‌های راهبردی و عملیاتی تحول در نظام اداری، چ ۱، گیلان: انتشارات دانشگاه گیلان، ۱۳۸۳.
۲۵. سعیدی، سهیل سرمد، مدیریت و برنامه‌ریزی استراتژیک در عمل، تهران: هیئت، ۱۳۸۶.
۲۶. سیدجوادین، سید رضا، برنامه‌ریزی نیروی انسانی، چ ۷، تهران: انتشارات نگاه دانش، ۱۳۹۴.
۲۷. شیرازی، ناصر مکارم، تفسیر نمونه، ج ۲۷، ح ۸، قم: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۹.
۲۸. طباطبائی، محمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان (دوره ۲۳ جلدی)، ج ۵، چ ۴، مترجمان: محمدجواد حجتی کرمانی و محمدعلی کرامی قمی، تهران: انتشارات بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی با همکاری مرکز نشر فرهنگی رجاء و مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۷.
۲۹. طباطبائی، محمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۸، چ ۳، مترجم: سید محمدباقر موسوی همدانی، بی‌جا: بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی با همکاری مرکز نشر فرهنگی رجاء، ۱۳۷۶.
۳۰. طباطبائی، محمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۷، چ ۱، مترجم: سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: انتشارات اسلامی، ۱۳۶۴.
۳۱. عباس نژاد، محسن، راهنمای پژوهش در قرآن و علوم روز ۱ (قرآن، مدیریت و علوم سیاسی)، چ ۱، مشهد مقدس: مؤسسه انتشاراتی بنیاد پژوهش‌های قرآنی حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۴.
۳۲. علاقه بند، علی، مبانی نظری و اصول مدیریت آموزشی، تهران: نشر روان، ۱۳۸۵.
۳۳. علی آقا پیروز و دیگران، مدیریت در اسلام، چ ۱۰، زیر نظر سید مهدی الوانی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۴.
۳۴. علی آقا پیروز و دیگران، مدیریت در اسلام، چ ۵، زیر نظر سید مهدی الوانی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۶.

۳۵. عمید، حسن، فرهنگ عمید (دوره سه جلدی)، ج ۱ و ۳، چ ۵، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۵.
۳۶. عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، ج ۲، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۶.
۳۷. عمید، حسن، فرهنگ فارسی یک جلدی، چ ۱، تهران: انتشارات عترت، ۱۳۸۹.
۳۸. عیون اخبار الرضا، ج ۱؛ اخلاق النبی و آدابہ؛ الطبقات الکبری، ج ۱.
۳۹. فایضی، علی، کاربرد اصول مدیریت در جوامع با جهت گیری اسلامی، چ ۱، بی جا: مؤسسه انتشارات فطرت، ۱۳۷۵.
۴۰. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، ج ۸، چ ۲، قم: انتشارات هجرت، ۱۴۰۹ ق.
۴۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، چ ۱، بیروت: دار القلم، ۱۴۱۲ ق.
۴۲. فرآیند برنامه ریزی استراتژیک از منظر قرآن، نویسندگان: حیدرزادگان و مشهدی عباس، فصلنامه مطالعات قرآنی، پیاپی ۱۶، زمستان ۱۳۹۲.
۴۳. فصلنامه مطالعات قرآنی، دوره ۴، شماره ۱۶، ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد جیرفت، ۱۳۹۲/۱۰/۱.
۴۴. فصلنامه مدیریت در اسلام، شماره های ۱۸ - ۲۴.
۴۵. دو فصلنامه علمی - ترویجی (اسلام و پژوهش های مدیریتی)، اصول حاکم بر مسیر دستیابی به اهداف برنامه ریزی از منظر قرآن، نویسندگان: مهدی شفیعی و دیگران؛ شماره پانزدهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۶.
۴۶. قرائتی، محسن، تفسیر نور (ذیل آیه موردنظر)، چ ۱۱، تهران: مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، ۱۳۸۳.
۴۷. قوامی، صمصام الدین، تفسیر موضوعی قرآن کریم (دانش مدیریت در قرآن)، چ ۱، قم: دفتر نشر معارف، ۱۳۹۳.
۴۸. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ۷۱، ۷۴ و ۷۷، چ ۲، بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ هـ. ۱۹۸۳ م.
۴۹. محمدی، عبدالحمید، اصول نظام داری از دیدگاه قرآن و حدیث، چ ۱، کابل: انتشارات مؤسسه آموزشی پژوهشی حکمت و دانش، ۱۳۹۱.
۵۰. مدیریت در اسلام، بهار و تابستان ۱۳۹۹ - شماره ۴۰.
۵۱. مطالعات قرآن و علوم، ش ۷، بهار و تابستان ۱۳۹۹.
۵۲. هرولد کونتز، سیریل اودانل و هاینز ویهریخ، اصول مدیریت، چ ۷، مترجمان: محمدعلی طوسی و همکاران، تهران: مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی، ۱۳۸۸.
۵۳. نشریه توسعه انسانی پلیس، دانشگاه قم، دوره: هفتم، ش ۳۳، بهمن و اسفند ۱۳۸۹.

۵۴. نشریه مطالعات حدیث پژوهی، ش ۴، پاییز و زمستان ۱۳۹۶.

۵۵. نوری، روح‌الله، **برنامه‌ریزی (۲)**، فصلنامه تخصصی مدیریت در اسلام، ش ۱۹ و ۲۰، بهار و تابستان ۱۳۹۲.

۵۶. همایش علمی: کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی، برگزارکننده: مؤسسه پژوهشی مدیریت مدبر، تهران: ۲۹ آذر ۱۳۹۷.